

دکتر عیسی صدیق

استاد ممتاز دانشگاه و وزیر پیشین فرهنگه

## تاریخچه و فلسفه انقلاب سفید

به نام نامی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریا مهر این مجلس بحث و محس را در باب تحولات اجتماعی و اقتصادی ایران که بمناسبت بزرگداشت دهه انقلاب سفید تشکیل شده است افتتاح می‌کنم و خداوند را سپاسگزارم که توفیق عنایت فرمود تا در این مجلس شرکت جویم .

تحولات عظیمی که در ده سال اخیر در مملکت ما به وقوع پیوسته بحدی دامنه‌دار بوده و در زندگانی تمام افراد این کشور تأثیر داشته که تجزیه و تحلیل آن محتاج به روزها شرح و بسط و گفت و شنود است ولی چنانکه حضار محترم اطلاع دارند دانشگاه تهران فقط در دو جلسه به بحث در این موضوع می‌پردازد بنابراین طبق برنامه‌ای که توزیع شده در این جلسه از لحاظ اجتماعی موضوعات خاصی مطرح خواهد شد تا در حدود امکان نسبت به بعضی از تأثیرات مهم انقلاب نتیجه روشن‌تر بدست آید .

در آغاز این جلسه وظیفه بنده است که اولاً از جناب آقای دکتر نهاوندی رئیس محترم دانشگاه تشکر کنم که اقدام به تشکیل این مجلس فرموده‌اند ثانیاً از استادان و دانشمندان گرامی که در این انجمن شرکت نموده‌اند اظهار مسرت و امتنان کنم . ثالثاً بانهایت اختصار چند کلمه در تاریخچه و فلسفه انقلاب سفید و علل پیشرفت سریع آن عرضه بدارم ، سپس رشته متن سخنرانی آقای دکتر صدیق‌اعلم است که روز چهارشنبه ۲۰ دیماه دانشگاه تهران ایراد شده است .

سخن را به خطبای دانشمند واگذار کنم .

راجع به تاریخچه انقلاب سفید :

سخن هرچه گویم همه گفته‌اند

برو بسوم معنی همه سفته‌اند

معدك برای یادآوری بيمورد نیست اگر عرض کنم که پیشوای بزرگ انقلاب در ده سال اول سلطنت در اثر مطالعه و مشاهده اوضاع و احوال ایران بدین نتیجه رسیده بودند که علت اصلی ضعف و انحطاط کشور فقر و جهل مردم در دوپست سال اخیر نفوذ بیگانگان و مداخله آنها در امور داخلی ایران بوده است .

عمال بیگانگان هم عبارت بوده‌اند از عده‌ای خوانین و ملاکان بزرگ و سران عشایر که در نواحی مختلف برای خود حکومت محلی بوجود آورده بودند - عده‌ای از سیاستمداران متنفذ و ظاهرالصلاح که از سیاست‌های معین طرفداری می‌کردند - روحانی‌نمایان که سد راه اصلاحات و پیشرفت بودند - ستونهای پنجم که با تشکیل احزاب منافع خارجیان را تأمین می‌کردند . رهبر بزرگ انقلاب به حکم مقام والا و وظیفه خطیری که بر عهده داشتند می‌خواستند این عمال را از سر راه ترقی و تعالی کشور بردارند و استقلال و حاکمیت و شرافت ملی ایران را که به معظم‌له سپرده شده به صورت کامل‌تر و بهتر به نسلهای آینده بشارند .

برای نیل به مقصود در طی چند سفر به ممالک اروپا و آمریکا ، اوضاع و احوال آنها را مشاهده و مطالعه و با اوضاع ایران مقایسه فرمودند و در همه حال جهت یافتن راه حل به پروردگار یکتا توسل جستند . ملاحظه فرمائید با چه جمله‌های مؤثری این مطلب را در کتاب انقلاب سفید بیان فرموده‌اند :

« شاید هیچکس غیر از من و خدای من نداند که چه شبها را تا صبح به تأمل و تفکر گذرانیدم و با خضوع و خشوع تمام برای یافتن چاره از خدای خویش استعانت کردم . فکر می‌کردم چه علت دارد که مملکت بزرگ

و ثروتمندی مثل ایران وملت‌ی که ذاتاً نجیب و خوش قلب و هوشمند است ،  
 پاداشتن چنین سابقه پرافتخار تاریخی اینطور دستخوش ماجراهای غیرعادی  
 و نامترقبه بشود و این چنین اسیر زیر و بالای حوادث گردد .  
 بالاخره پس از تجربه‌ای که از تقسیم املاک سلطنتی به دست آمد  
 معلوم شد که برای نجات کشور و ارتقاء آن به صف ملل مترقی جهان باید  
 انقلاب اجتماعی بوجود آورد و منتزه موقع مناسب برای اقدام شدند .  
 این موقع پس از بیست و یک سال سلطنت و زحمات شبانه‌روزی و  
 فداکاری مستمر و استوار کردن پیوند قلبی با مردم در ۱۳۳۱ فرا رسید و  
 شش اصل اساسی انقلاب به پیشنهاد شاهنشاه در روز ۶ بهمن آن سال با  
 اکثریت پنج میلیون و پانصد هزار نفر به تصویب ملت ایران رسید و فرمان  
 اجرای آن صادر گردید .

آن شش اصل عبارت بود از :

- ۱- اصلاحات ارضی .
- ۲- ملی شدن جنگلها و مراتع .
- ۳- فروش سهام کارخانجات دولتی به‌عنوان پشتوانه اصلاحات ارضی .
- ۴- سهم شدن کارگران در سود کارگاه‌ها .
- ۵- اصلاح قانون انتخابات .
- ۶- ایجاد سپاه دانش .

دراثر پیروزی‌هایی که از اجرای اصول مذکور به دست آمد در ۱۳۴۳  
 دو قانون تشکیل سپاه بهداشت و سپاه ترویج و آبادانی و در ۱۳۴۴ قانون  
 تشکیل خانه‌های انصاف وضع و به اصول ششگانه انقلاب افزوده شد . در سال  
 ۱۳۴۷ نیز به موجب سه قانون سه اصل دیگر تحت عنوان ملی کردن آبهای  
 کشور - نوسازی شهرها و روستاها - انقلاب اداری و آموزشی به نه اصل  
 مذکور اضافه گردید و بدین ترتیب منشور انقلاب دارای دوازده اصل شد .  
 اگر بنا شود با نهایت ایجاز مهمترین نتایج مستقیم و آشکار انقلاب  
 در چند جمله خلاصه شود باید گفت که روستائیان مایمنی سه چهارم جمعیت کشور

که محروم‌ترین افراد ملت از مواهب طبیعی و نعمات مهین خود بودند اکنون از رفاه مادی و معنوی برخوردار و صاحب زمین برای کشت و خانه و گرمابه و مدرسه و دادگاه و آب مشروب سالم و خوراک و پوشاک و درمانگاه نزدیک و بسیاری دارای قوه برق و راه ارتباط با شهرهای مجاور هستند. درآمد کارگران فزونی یافته - زنان در تمام شئون مملکت دخیل و صاحب‌رأی شده‌اند - میلیونها نفر از مردم شهر و ده باسواد شده‌اند - زارع و کارگر دارای حیثیت و شخصیت شده و هر دو در راه ارتقاء و پیشرفت در تلاش و کوشش هستند - مملکت در راه توسعه اقتصادی به طرف صنعتی شدن می‌رود - درآمد سرانه افراد از ۱۹۰ دلار به ۴۸۰ دلار ترقی کرد و رشد متوسط سالانه از ده درصد تجاوز کرد تا آنجا که چند روز قبل یکی از استادان شهیر علم اقتصاد دانشگاه لندن، پروفیسور Northhedge نریتش، در رادیو لندن در نطق خود گفت که ایران دارد در ردیف ممالک بزرگ جهان قرار می‌گیرد.

شگفت‌آور این که تمام این تحولات در ظرف ده سال صورت گرفته است و در مقایسه با مملکت دیگری مانند مکزیک در آمریکای شمالی که در ۱۹۱۵ شروع به اصلاحات ارضی کرده و هنوز پس از ۵۷ سال پایان نیافته باید گفت که اصلاحات ارضی ایران با سرعت فوق‌العاده پیشرفت کرده و در حقیقت با جهش انجام پذیرفته است.

علل این کامیابی و سرعت چه بوده است؟

اگر اندکی در این باب تمق شود ملاحظه خواهد شد که علل کلی و عمومی تحولات عبارت بوده است از انقلابات و تغییرات مهمی که در اثر دو جنگ جهانی در اکثر ممالک مهم دنیا و از جمله در همسایگی ما بوجود آمده و عدالت اجتماعی که در بسیاری از کشورهای مترقی گسترش یافته و در ایران سه علت اساسی موجب این توفیق و جهش بوده است. یکی از این سه علت مربوط به سنن ملی و تاریخی ایران است و دوتای دیگر به شخصیت رهبر بزرگ انقلاب.

نخستین علت اینکه اصول انقلاب از طرف مقام شامخ سلطنت انشاء و به ملت پیشنهاد شد . مقام سلطنت در قلوب و اذهان ایرانیان از آغاز تأسیس شاهنشاهی در این کشور به حدی عظیم و رفیع بوده است که مردم شاه را برگزیده خدا و مقام او را برابر با مقام پیغمبر دانسته اند حکیم ابوالقاسم فردوسی در هزار سال قبل فرموده :

چنان دان که شاهی و پیغمبری

دو گوهر بود در يك انگشتری

به شهری که هست اندرو مهر شاه

نیابد نیاز اسدر آن بوم راه

مردم همگی معتقدند که پدر تاجدار ایران به نفع تمام فرزندان خود و برای مصالح عالیّه عموم گام برمی دارد و نظر به طبقه یا فرد ممینی ندارد بنابراین همگی باید چشم بر حکم و گوش بر فرمان او نهند و دستورهایش را چون او امر الهی با جان و دل اجرا کنند .  
به فرموده اسدی طوسی :

تو دانی که از دین و آئین و راه

چه فرمان یزدان چه فرمان شاه

دومین علت اساسی توفیق و پیشرفت سریع ، محبوبیت پیشوای بزرگ انقلاب بوده است . شاهنشاه آریامهر در موقعی زمام سلطنت را به دست گرفتند که مملکت از طرف قوای بیگانه اشغال شده بود و نظم شیرازه امور گسیخته و کشور دچار هرج و مرج شده آتیه اش تیره و تار بود . در نتیجه فداکاریها و جانبازی شاهنشاه در دوازده سال اول سلطنتی بخصوص در رفع غائله آذربایجان و نجات آن استان زرخیز و دلیرپرور مملکت به حال عادی برگشت و مردم احساساتی بی مانند نسبت به شاهنشاه خود پیدا کردند که نمونه ای از آن در خردادماه ۱۳۲۶ به هنگام تشریف فرمائی به آذربایجان بطور شکست انگیز بارز و نمایان شد . بنابراین طبیعی بود که فرمان شاهنشاه را با سرعت و صمیمیت اجرا کنند و به این ترتیب انقلاب به آرامی